

The Effectiveness of Group Training of the Reforming Parenting Styles Based on Mothers, Maladjustment Schemas on Improving Behavioral Problems among Preschool Children in Isfahan City

Mina daneshmand. M.A.

Psychology, Islamic Azad University of Isfahan (Khorasgan), Isfahan, Iran

Zahra yousefi. Ph.D.

Academic member, Islamic Azad University of Isfahan, Iran

Abstract

This study investigated the effectiveness of group training of the reforming parenting styles based on mothers' maladjustment schemas on improving behavioral problems among preschool children in Isfahan city. The study was a semi-experimental research (pre-test and post-test) with a control group. Its statistical populations include all mothers whose children suffer from behavioral disorders in Isfahan city. For this purpose, based 40 people from among the mothers whose children had the sign of behavioral disorders were selected based on convenient sampling and were categorized into two experimental and control groups. Rutter's child behavior questionnaire was used for data collection. 8 sessions of reforming the parenting styles based on reforming maladjustment schemas were hold for the experimental group while the control group received no specific training. To analyze the data, by the use of the mean and standard deviation of data and also multivariate covariance, the research hypotheses have been analyzed. Therefore, based on the total results of the general research, it can be concluded that reforming parenting style based on mother's maladjustment schemas on improving has a significant effect in the reduction of behavioral disorders of their child ($p < 0.05$).

Keywords: behavioral disorders, parenting styles, maladjustment schemas, preschool children, mothers.

اثربخشی آموزش گروهی اصلاح سبک فرزندپروری بر اساس اصلاح طرح‌واره‌های ناسازگار به مادران بر بهبود مشکلات رفتاری کودکان پیش‌دبستانی

مینا دانشمند خوراسگانی

کارشناس ارشد روان‌شناسی، گروه روان‌شناسی، واحد اصفهان،

دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

زهرا یوسفی*

استادیار، گروه روان‌شناسی، واحد اصفهان، دانشگاه آزاد اسلامی،

اصفهان، ایران

چکیده

این پژوهش، اثربخشی آموزش گروهی اصلاح سبک فرزندپروری بر اساس اصلاح طرح‌واره‌های ناسازگار به مادران بر بهبود مشکلات رفتاری کودکان پیش‌دبستانی شهر اصفهان را بررسی کرد. پژوهش از نوع نیمه تجربی و به صورت پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه کنترل بود. جامعه آماری شامل کلیه مادران دارای کودک مبتلا به اختلالات رفتاری شهر اصفهان بود. با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس تعداد ۴۰ نفر از مادران کودکان دارای اختلالات رفتاری انتخاب و به تصادف در دو گروه آزمایش و کنترل گمارده شدند. ابزار پژوهش پرسشنامه اختلالات رفتاری راتر (۱۹۷۵) بود که از پایایی و روایی مناسب برخوردار است. گروه آزمایش به مدت ۸ جلسه و در ۸ هفته تحت آموزش اصلاح سبک فرزندپروری بر اساس اصلاح طرح‌واره‌های ناسازگار قرار گرفت و گروه کنترل در لیست انتظار قرار داشت. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از میانگین و انحراف استاندارد داده‌ها و سپس با استفاده از تحلیل کوواریانس چند متغیری، فرضیه‌های پژوهش بررسی شد. نتایج نشان داد که آموزش گروهی اصلاح سبک فرزندپروری بر اساس اصلاح طرح‌واره‌های ناسازگار به مادران بر بهبود مشکلات رفتاری کودکان در مراحل پیش‌آزمون و پیگیری تأثیر دارد ($p < 0.05$).

واژه‌های کلیدی: مشکلات رفتاری، سبک فرزندپروری، طرح‌واره‌های ناسازگار، مادران کودکان پیش‌دبستانی.

مقدمه

اکثر موارد تفاوت رفتار بهنجار و نابهنجار در کودکان به وضوحی که در مورد بزرگسالان مشاهده می‌شود قابل تعیین نیست. به‌طور کلی قضاوت در مورد اینکه آیا رفتار کودک یک متغیر تحولی است یا نشانی از یک مسئله جدی‌تر به سن کودک، تکرار، شدت، تعداد نشانه و به خصوص میزان اختلال در عملکرد بستگی دارد (شاملو، ۱۳۷۸). به این ترتیب مشکلات رفتاری عبارت است از رفتارهای گوناگون افراطی، مزمن و انحرافی که گستره آن شامل اعمال تهاجمی یا برانگیختگی ناگهانی تا اعمال افسرده‌گونه و گوشه‌گیرانه و بروز آن‌ها دور از انتظارات مشاهده‌کننده است به‌طوری‌که آرزوی توقف این‌گونه رفتارها را دارد. به سخن دیگر این‌گونه رفتارها اولاً تأثیر منفی بر فرآیند رشد و انطباق مناسب کودک با محیط دارد، ثانیاً مزاحمت برای زندگی دیگران به وجود می‌آورد (سیف نراقی و نادری، ۱۳۸۰). رفتارهای مشکل‌ساز در کودکان از تعامل چندگانه عوامل بیولوژیکی، محیطی و خانوادگی نشأت می‌گیرد. با در نظر گرفتن دیدگاه سیستمی درباره خانواده، به واسطه ارتباط تنگاتنگ خانواده با کودکان یکی از عواملی که می‌تواند در ارتباط با مشکلات روانی و رفتاری کودکان مطرح شود خانواده است (میلر-لویز^۴ و همکاران، ۲۰۰۶). خانواده به‌صورت یک مجموعه اصلی - پدر، مادر و فرزندان - می‌تواند تأثیر عمیقی بر رفتار اولیه کودک داشته باشد (هالاهان و کافمن^۵، ۲۰۰۵).

از آنجا که والدین بیشتر وقت خود را با فرزندان می‌گذرانند، روابط آن‌ها با فرزندان و شیوه‌های تربیتی آن‌ها می‌تواند نقش مهمی در پیشرفت رفتار فرزندان داشته باشد (کلانتری و همکاران، ۱۳۸۴). با این حال سطح آگاهی خانواده‌ها نسبت به شیوه‌های فرزندپروری کامل نیست و این ناآگاهی می‌تواند، مسائلی را در برقراری روابط با فرزندان ایجاد کند (دینک میر^۶، ۱۳۸۶). از این‌رو لازم است تا سبک فرزندپروری مادران اصلاح شود. سبک فرزندپروری ترکیب‌هایی از رفتارهای والدین است که در موقعیت‌های گسترده‌ای روی می‌دهند و جو فرزندپروری بادوامی را پدید

تعداد کمی از افراد از تأثیر مهم مشکلات رفتاری در دوران کودکی و اینکه تا چه اندازه می‌تواند برای رشد در سال‌های بعدی مخرب باشد آگاه‌اند. مطالعات نشان می‌دهد که مشکلات رفتاری دوران کودکی را باید جدی تلقی نمود، چرا که غالباً مشکلات بعدی، از مشکلات دوران کودکی آغاز شده یا تداوم می‌یابد. همچنین مشکلات رفتاری دوران کودکی می‌تواند تأثیر مخربی بر زمینه‌های فردی، بین‌فردی و تحصیلی کودکان داشته باشد (هافارت^۱ و همکاران، ۲۰۰۵). نقش والدین در سلامت روانی کودکان امری بدیهی است. اما امروزه علی‌رغم تغییرات عمیق فرهنگی و تغییر در شیوه‌های زندگی، هنوز بسیاری از والدین از جمله مادران مهارت‌های برخورد مناسب با مشکلات کودکان خود را ندارند. بنابراین، یکی از عواملی که می‌تواند بر مشکلات رفتاری کودکان مؤثر باشد سبک فرزندپروری مادران است. در این میان سلامت جسمانی و حالات روان‌شناختی مادر در ایجاد فضای مطلوب در خانواده به‌عنوان نخستین پایگاه آموزش و پرورش از بنیادی‌ترین عوامل شکل‌گیری شخصیت کودک است. چرا که سبک‌های استدلالی، عاطفی و رفتاری کودک تحت تأثیر خانواده به‌ویژه مادر قرار می‌گیرد (آبلا و هنکین^۲، ۲۰۰۳).

اغلب اختلالات و ناسازگاری‌های رفتاری پس از دوران کودکی ناشی از کمبود توجه به دوران حساس کودکی و عدم هدایت صحیح در روند تکامل است. این بی‌توجهی منجر به عدم سازش و انطباق با محیط و بروز انحرافات گوناگون در ابعاد مختلف برای کودک می‌شود (یارمحمدیان، ۱۳۹۰). از طرف دیگر، اکثر کودکان که در سال‌های نخستین کودکی واجد مشکلات رفتاری و عاطفی هستند نه تنها به سادگی از آن عبور نمی‌کنند بلکه ممکن است این مشکلات تا دوران بلوغ و حتی بزرگسالی نیز تداوم داشته باشد. با توجه به این واقعیت که مشکلات رفتاری و عاطفی اغلب به‌طور طبیعی کاهش نخواهد یافت، توجه فزاینده به پیشگیری و درمان این مشکلات معطوف شده است (کارترایت-هاتون^۳، ۲۰۰۵).

1. Haffart
3. Cartwright-Hatton
5. Halahan & Kuufman

2. Abela & Hankin
4. Miller-Lewis
6. Dinkmeyer

یانگ (۲۰۰۳) معتقد است که طرح‌واره‌ها به دلیل ارضا نشدن نیازهای هیجانی اساسی در دوران کودکی به وجود می‌آیند که این نیازها عبارت‌اند از: دل‌بستگی ایمن نسبت به دیگران، خودگردانی و کفایت، آزادی در بیان نیازها و هیجان‌های سالم، خودانگیختگی و تفریح، محدودیت‌های واقع‌بینانه و خودانگیختگی. در مدل یانگ، هجده طرح‌واره بر طبق پنج نیاز هیجانی ارضا نشده تقسیم می‌شوند که آن‌ها را حیطه‌های طرح‌واره می‌نامند. اولین حیطه طرح‌واره‌ها، بریدگی و طرد^۱ است طرح‌واره‌های این حوزه عبارت‌اند از: رهاشدگی / بی‌ثباتی^۲، بی‌اعتمادی / بدرفتاری^۳، محرومیت هیجانی^۴، نقص / شرم^۵، انزوای اجتماعی / بیگانگی^۶. حیطه دوم، خودگردانی و عملکرد مختل^۷ است. طرح‌واره‌های این حوزه عبارت‌اند از: وابستگی / بی‌کفایتی^۸، آسیب‌پذیری نسبت به ضرر یا بیماری^۹، خودتحوّل نیافته / گرفتار^{۱۰}، شکست^{۱۱}. حیطه سوم، محدودیت‌های مختل^{۱۲} است. طرح‌واره‌های این حوزه عبارت‌اند از: استحقاق / بزرگ‌منشی^{۱۳}، خویش‌داری و خودانضباطی ناکافی^{۱۴}. حیطه چهارم، دیگرجهت‌مندی^{۱۵} است. طرح‌واره‌های این حوزه عبارت‌اند از: اطاعت^{۱۶}، ایثار^{۱۷}، پذیرش‌جویی / جلب توجه^{۱۸}. حوزه پنجم، گوش به زنگی بیش از حد و بازداری^{۱۹} است. طرح‌واره‌های این حوزه عبارت‌اند از: منفی‌گرایی / بدبینی^{۲۰}، بازداری هیجانی^{۲۱}، معیارهای سرسختانه / عیب‌جویی افراطی^{۲۲}، تنبیه^{۲۳} (یانگ و همکاران، ۲۰۰۳).

تاکنون پژوهش‌های زیادی اختلالات رفتاری کودکان را مطالعه کرده‌اند و یا کاهش آن را هدف قرار داده‌اند از جمله هلمر و همکاران^{۲۴} (۲۰۱۵) اثر درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد بر کاهش اضطراب کودکان؛ است. پیریتی و

می‌آوردند. بامریند^۱ (۱۹۷۸) در مطالعات خود سه ویژگی را آشکار می‌سازد که روش مؤثر را از روش‌های نه چندان مؤثر فرزندپروری جدا می‌سازد، این سه ویژگی عبارت‌اند از: (۱) پذیرش و روابط نزدیک، (۲) کنترل و (۳) استقلال دادن. از تعامل این سه ویژگی، سه سبک فرزندپروری مشخص می‌شود: مقتدرانه^۲، مستبدانه^۳ و سهل‌گیرانه^۴.

در مورد تأثیر سبک فرزندپروری در اختلالات رفتاری کودکان تحقیقات متعددی انجام شده است ولی در مورد تأثیر طرح‌واره‌های مادر و سبک‌های فرزندپروری آنان بر اختلالات رفتاری کودکان موارد تحقیقاتی محدود است. یانگ معتقد است این طرح‌واره‌ها، ساختارهای پایدار و بادوامی هستند که به مثابه عدسی‌هایی بر ادراک فرد از جهان، خود و دیگران اثر می‌گذارد. این طرح‌واره‌ها در طی تجارب کودکی شکل گرفته‌اند و پاسخ فرد به رخدادهای محیطی را کنترل می‌کنند. یانگ (۱۹۹۹) این فرض را مطرح ساخت که برخی از طرح‌واره‌هایی که در طی دوران اولیه زندگی در نتیجه تجربه‌های ناخوشایند و نامطلوب کودکی شکل می‌گیرند ممکن است هسته مرکزی اختلالات دیرپای محور یک را تشکیل دهند.

یانگ (۱۹۹۹) همچنین عنوان می‌کند اگرچه عوامل مربوط به جامعه، مدرسه و همسالان در شکل‌گیری این طرح‌واره‌ها مؤثر هستند، اما اثر آن‌ها آن وسعت و ثبات اثر عوامل خانوادگی را ندارد (تورس^۵، ۲۰۰۲). به اعتقاد یانگ ریشه بسیاری از طرح‌واره‌های ناسازگار در همین شیوه‌های فرزندپروری است و هرکدام از این شیوه‌ها به‌نوعی در ایجاد طرح‌واره‌های متفاوت نقش اساسی دارند (شفلید^۶ و همکاران، ۲۰۰۶).

1. Baumrind
3. authoritarian
5. Torres
7. disconnection and rejection
9. mistrust/ abuse
11. defectiveness/ shame
13. impaired autonomy and performance
15. vulnerability to harm or illness
17. failure
19. entitlement/ grandiosity
21. other directedness
23. self sacrifice
25. overvigilance/ inhibition
27. emotional inhibition
29. punitiveness

2. authoritative
4. permissive
6. Sheffield
8. abandonment/ instability
10. emotional derivation
12. social isolation/ alienation
14. dependence/ incompetence
16. enmeshment/ undeveloped self
18. impaired limits
20. insufficient self-control/ self-discipline
22. subjugation
24. approval seeking/ recognition seeking
26. negativity/ pessimism
28. unrelenting standards/ hypercriticalness
30. Helmer

به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش و گواه جایگزین شدند. مادران کودکان گروه آزمایش، آموزش اصلاح سبک فرزندپروری بر اساس اصلاح طرح‌واره‌های ناسازگار را در طی ۸ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای در ۲ ماه دریافت کردند، اما گروه کنترل در طول این مدت هیچ مداخله‌ای دریافت نکردند. لازم به ذکر است، اعضای گروه‌های آزمایش و کنترل قبل، بعد و یک ماه پس از آموزش در معرض پیش‌آزمون و پس‌آزمون قرار گرفتند. آموزش‌ها در پیش‌دبستانی منتخب انجام شد.

ابزار سنجش

در این پژوهش، از ابزار و برنامه آموزشی زیر استفاده شده است:

پرسشنامه اختلال رفتاری راتر: این پرسشنامه توسط مایکل راتر در سال‌های ۱۹۶۷ و ۱۹۷۰ تدوین شده است و شامل دو نسخه A (والدین) و B (معلم) است که نسخه A دارای ۳۱ عبارت است و توسط والدین تکمیل می‌شود. والدین حدود ۲۰ دقیقه با توجه به رفتارهای کودکان در ۱۲ ماه گذشته می‌توانند به پرسش‌ها پاسخ دهند. نسخه B دارای ۲۶ عبارت است و توسط معلم تکمیل می‌شود. نمره ۱۳ در فرم A نقطه برش است و کودکانی که نمره ۱۳ یا بالاتر داشته باشند دارای مشکل شناخته می‌شوند. در این پژوهش از فرم والدین استفاده شد. به منظور ارزیابی پایایی این پرسشنامه، راتر و همکاران (۱۹۷۵) از روش آزمون مجدد استفاده نمودند که پایایی ۰/۹۸ بعد از یک دوره سه‌ماهه نشان‌دهنده ثبات نمره‌گذاری پرسشنامه است.

اعتبار و روایی این پرسشنامه برای اولین بار در ایران توسط مهریار ۱۳۷۳ با روش دونیمه کردن و بازآزمایی ۰/۸۵ گزارش شد و مهریار نقطه برش آزمون نسخه والدین را ۱۳ اعلام کرده است (یوسفی، ۱۳۷۷). در پژوهش حاضر مجدداً همسانی درونی برای کل پرسشنامه محاسبه شد ($\alpha = 0/۸۳$).

روش اجرا

در جدول زیر، محتوای برنامه آموزشی آمده است. این محتوا به تأیید سه متخصص روان‌شناسی بالینی رسیده است.

روسا^۱ (۲۰۱۲) رابطه بین سبک‌های فرزندپروری مستبدانه و مقتدرانه با استرس والدین، دارلینگ^۲ (۲۰۱۰) رابطه با سبک‌های فرزند پروری غلط با ضعف مهارت‌های اجتماعی و عزت نفس، شفیع پور و همکاران (۱۳۹۴) اثر سبک‌های فرزند پروری به روش والدینی مثبت بر پیگیری مشکلات رفتاری کودکان، روشن‌زاده (۱۳۹۱) رابطه بین علائم اختلالات رفتاری با سبک‌های فرزند پروری و استرس‌های زندگی مادران را مطالعه کرده‌اند. اما همانگونه که مشاهده می‌شود مرور پژوهش‌ها نشان می‌دهد که تاکنون پژوهش چاپ شده‌ای به بررسی اثر بخشی سبک‌های فرزندپروری مبتنی بر اصلاح طرح‌واره‌های ناسازگار مادران انجام نشده است.

در این پژوهش با در نظر گرفتن این نکته که اصلاح طرح‌واره‌های ناسازگار مادران در کنار آموزش اصلاح سبک فرزندپروری می‌تواند به کاهش مشکلات رفتاری کمک کند، این پژوهش به بررسی آموزش گروهی اصلاح سبک فرزندپروری بر اساس اصلاح طرح‌واره‌های ناسازگار به مادران بر بهبود مشکلات رفتاری کودکان پیش‌دبستانی پرداخت و فرضیه زیر را آزمون کرد.

آموزش گروهی اصلاح سبک فرزندپروری بر اساس اصلاح طرح‌واره‌های ناسازگار به مادران بر بهبود مشکلات رفتاری کودکان پیش‌دبستانی اثر معنادار دارد.

روش

روش پژوهش، جامعه آماری و نمونه: پژوهش حاضر، نیمه آزمایشی بود و از طرح پیش‌آزمون - پس‌آزمون با گروه کنترل و پیگیری استفاده شد. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه کودکان پیش‌دبستانی دارای مشکلات رفتاری شهر اصفهان در سال تحصیلی ۹۴-۹۵ بود. پژوهشگر از میان کلیه پیش‌دبستانی‌های شهر اصفهان، یک پیش‌دبستانی را به شیوه نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و همه مادران این پیش‌دبستانی پرسشنامه اختلال رفتاری راتر (۱۹۷۵) را کامل کردند و ۴۰ کودکی که نمره بالاتری بر اساس ارزیابی مادرانشان کسب کردند وارد پژوهش شدند. به این ترتیب که مادران ۴۰ کودک دارای مشکلات رفتاری انتخاب و

جدول ۱. محتوای جلسات آموزشی برگرفته از سبک‌های فرزندپروری بامریند (۱۹۷۱) و نظریه طرح‌واره بانگ (۱۹۹۹)

جلسات	هدف، محتوا، تکلیف
جلسه اول	<ul style="list-style-type: none"> - آشنایی اعضا با یکدیگر و با رهبر گروه - ایجاد یک رابطه مبتنی بر همکاری - ذکر خلاصه‌ای از مراحل شکل‌گیری گروه و علت انتخاب آنان - تعیین اهداف گروه - ذکر قوانین گروه - تشریح نحوه تشکیل جلسات و زمان جلسات بعدی - معرفی مهم‌ترین عاملی که باعث بروز مشکلات رفتاری در کودکان می‌شود - معرفی سه سبک فرزندپروری - تکلیف خانگی مبنی بر این که به روابطتان با کودکان دقت کنید و به این سؤال پاسخ دهید که شما چه سبک فرزندپروری دارید؟ سپس آن را در کاربرد مربوطه یادداشت کنید. - اجرای پیش‌آزمون
جلسه دوم	<ul style="list-style-type: none"> - مرور مباحث جلسه قبل - مروری بر تکالیف خانگی انجام شده - معرفی و توضیح بهترین نحوه تربیت فرزندان (سبک فرزندپروری مقتدرانه). با ارائه مثال - توضیح این که سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه و مستبدانه باعث ایجاد مشکلات رفتاری در کودکان می‌شود با ارائه مثال. - مرور کلی جلسه و جمع‌بندی مطالب - تکلیف خانگی مبنی بر این که، به این سؤال فکر کنید و پاسخ دهید که چه عواملی اجازه نداد که شما مادر مقتدری باشید. سپس آن‌ها را در کاربرد مربوطه یادداشت کنید.
جلسه سوم	<ul style="list-style-type: none"> - مرور مباحث جلسه قبل - مروری بر تکالیف خانگی انجام شده - شناخت موانع احساسی، فکری و رفتاری در سبک فرزندپروری مقتدرانه - ارائه تعریف از طرح‌واره‌های ناسازگار و معرفی طرح‌واره‌ها - بیان ریشه‌های اولیه و علت به وجود آمدن طرح‌واره‌های ناسازگار - مرور کلی جلسه و جمع‌بندی مطالب - تکلیف خانگی مبنی بر این که، به این سؤال پاسخ دهید که کودکی که شما در کدام یک از دسته تجارب اولیه کودکی جای می‌گیرد و این که خلق و خوی شما در کودکی جزء کدام دسته از خلق و خوی هیجانی قرار داشته است و آیا این تجارب بر روی فرزندپروری شما تأثیر داشته است یا خیر؟ سپس آن‌ها را در کاربرد مربوطه یادداشت کنید.
جلسه چهارم	<ul style="list-style-type: none"> - مرور مباحث جلسه قبل - مروری بر تکالیف خانگی انجام شده - بیان پنج نیاز هیجانی افراد - معرفی پنج حیطه طرح‌واره‌های ناسازگار با ارائه مثال - ارائه توضیح در مورد تأثیر طرح‌واره‌ها بر سبک فرزندپروری - مرور کلی جلسه و جمع‌بندی مطالب - تکلیف خانگی مبنی بر این که، شما در کدام یک از این پنج حیطه قرار دارید و این طرح‌واره‌ها چه اثری بر روی شیوه فرزندپروری شما داشته و ممکن است فرزند شما را در کدام حیطه قرار دهد؟ سپس آن‌ها را در کاربرد مربوطه یادداشت کنید.

<ul style="list-style-type: none"> - مرور مباحث جلسه قبل - مروری بر تکالیف خانگی انجام شده - معرفی شش طرح‌واره از هجده طرح‌واره ناسازگار - اثر هر طرح‌واره بر سبک فرزندپروری و ارائه مثال‌های - ارائه توضیح در مورد تأثیر طرح‌واره‌ها بر سبک فرزندپروری والدین - آموزش تکنیک‌های شناختی جهت اصلاح طرح‌واره‌ها و اثر آن‌ها بر سبک فرزندپروری والدین - مرور کلی جلسه و جمع‌بندی مطالب - تکلیف خانگی مبنی بر این‌که، شما ممکن است کدام‌یک از این شش طرح‌واره ناسازگار را داشته باشید و اینکه با فرزند خود به‌گونه‌ای رفتار می‌کنید که موجب ایجاد این طرح‌واره‌ها در او شود. سپس آن‌ها را در کاربرد مربوطه یادداشت کنید. تمرین تکنیک‌های شناختی 	<p>جلسه پنجم</p>
<ul style="list-style-type: none"> - مرور مباحث جلسه قبل - مروری بر تکالیف خانگی انجام شده - معرفی شش طرح‌واره دیگر از هجده طرح‌واره ناسازگار - اثر هر یک از این طرح‌واره بر سبک فرزندپروری و ارائه مثال - ارائه توضیح در مورد تأثیر طرح‌واره‌ها بر سبک فرزندپروری والدین - آموزش تکنیک‌های تجربی (تصویرسازی ذهنی) جهت اصلاح طرح‌واره‌ها و اثر آن‌ها بر سبک فرزندپروری والدین - مرور کلی جلسه و جمع‌بندی مطالب - تکلیف خانگی مبنی بر این‌که، شما ممکن است کدام‌یک از این شش طرح‌واره ناسازگار را داشته باشید و اینکه با فرزند خود به‌گونه‌ای رفتار می‌کنید که موجب ایجاد این طرح‌واره‌ها در او شود. سپس آن‌ها را در کاربرد مربوطه یادداشت کنید. تمرین تکنیک تصویرسازی ذهنی. 	<p>جلسه ششم</p>
<ul style="list-style-type: none"> - مرور مباحث جلسه قبل - مروری بر تکالیف خانگی انجام شده - معرفی شش طرح‌واره دیگر از هجده طرح‌واره ناسازگار - اثر هر طرح‌واره بر سبک فرزندپروری و ارائه مثال - ارائه توضیح در مورد تأثیر طرح‌واره‌ها بر سبک فرزندپروری والدین - آموزش تکنیک‌های تجربی (گفتگوی خیالی) برای اصلاح طرح‌واره‌ها و تأثیر آن بر سبک فرزندپروری والدین - مرور کلی جلسه و جمع‌بندی مطالب - تکلیف خانگی مبنی بر این‌که، شما ممکن است کدام‌یک از این شش طرح‌واره ناسازگار را داشته باشید و اینکه با فرزند خود به‌گونه‌ای رفتار می‌کنید که موجب ایجاد این طرح‌واره‌ها در او شود. خیال سپس آن‌ها را در کاربرد مربوطه یادداشت کنید. تمرین تکنیک گفتگوی خیالی 	<p>جلسه هفتم</p>
<ul style="list-style-type: none"> - مرور مباحث جلسه قبل - مروری بر تکالیف خانگی انجام شده - آموزش تکنیک نوشتن نامه به والدین و تأثیر بر سبک فرزندپروری والدین - آموزش تکنیک بررسی زندگی از چشم‌انداز یک طرح‌واره مثبت‌تر و تأثیر بر سبک فرزندپروری والدین - تأکید بر کاربرد دستاوردهای برنامه آموزشی از طریق تمرین در زندگی واقعی - اجرای پس‌آزمون - قدردانی از اعضاء به دلیل همکاری - اعلام تاریخ و یادآوری جلسه انجام پیگیری 	<p>جلسه هشتم</p>
<ul style="list-style-type: none"> - انجام پیگیری با استفاده از پرسشنامه اختلالات رفتاری راتر (فرم والدین) و پاسخ‌گویی به سؤالات مادران 	<p>جلسه نهم</p>

یافته‌ها

جدول (۲) میانگین و انحراف استاندارد علائم اختلالات

رفتاری کودکان را برحسب گروه نشان می‌دهد.

به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون تحلیل کواریانس استفاده شد که با توجه به فرضیه پژوهش یافته‌های به دست آمده به این شرح است:

جدول ۲. میانگین و انحراف استاندارد علائم اختلالات رفتاری کودکان بر اساس گروه

متغیر	گروه	میانگین	انحراف استاندارد	تعداد
علائم اختلالات رفتاری کودکان گروه آزمایش	پیش‌آزمون	۴۵/۸۵	۹/۵۰	۲۰
	پس‌آزمون	۳۸/۳۰	۶/۸۲	۲۰
علائم اختلالات رفتاری کودکان گروه کنترل	پیش‌آزمون	۳۴/۲۰	۶/۵۴	۲۰
	پس‌آزمون	۳۶/۹۰	۶/۱۸	۲۰

اندازه‌های متغیر وابسته از واریانس برابر برخوردارند. همچنین نتایج آزمون باکس نشان داد پیش‌فرض برابری کواریانس‌ها برای علائم اختلالات رفتاری کودکان تأیید می‌شود. بنابراین می‌توان از آزمون تحلیل کواریانس چند متغیری استفاده کرد. بنابراین به منظور مقایسه دو گروه در زمینه علائم اختلالات رفتاری کودکان با توجه به برابری واریانس‌های این متغیرها در دو گروه از آزمون تحلیل کواریانس چند متغیره استفاده می‌شود.

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که میانگین علائم اختلالات رفتاری کودکان در گروه کنترل در مرحله پس‌آزمون از گروه آزمایش بیشتر است. به منظور پاسخگویی به این سؤال و کنترل متغیر پیش‌آزمون از آزمون تحلیل کواریانس چند متغیری استفاده شد. جهت بررسی نرمال بودن نمرات علائم اختلالات رفتاری کودکان از آزمون شاپیرو ویلک استفاده شد و نتایج این تحلیل نشان داده‌ها که داده‌ها نرمال هستند به منظور بررسی پیش‌فرض برابری واریانس‌ها از آزمون لوین استفاده شد. نتایج این تحلیل نیز نشان داد که واریانس

جدول ۳. خلاصه نتایج تحلیل کواریانس مقایسه علائم اختلالات رفتاری کودکان

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	df	میانگین مجذورات	F	معناداری	مجذوراتا	توان آزمون
پیش‌آزمون	۸۸۱/۴۸۸	۱	۸۸۱/۴۸۸	۴۴/۵۲۵	۰/۰۰۰	۰/۵۴۶	۱/۰۰
گروه	۱۹۵/۲۲۸	۱	۱۹۵/۲۲۸	۹/۸۶۱	۰/۰۰۳	۰/۲۱۰	۰/۸۶۴

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج تحلیل کواریانس نشان داد که آموزش اصلاح سبک فرزند پروری بر اساس اصلاح طرح‌واره‌های ناسازگار به مادران بر بهبود اختلالات رفتاری کودکان مؤثر بوده است. یافته‌های این پژوهش با یافته‌های حاصل از پژوهش سیفی گندمانی و همکاران (۱۳۸۳)، در زمینه نقش فرزندپروری مقتدرانه در پایین بودن افسردگی و اضطراب فرزندان و با پژوهش فطین حور (۱۳۷۵)، حسین‌پور (۱۳۸۱) و کلانتری و همکاران (۱۳۸۴)، در زمینه تفاوت فرزندپروری

همان‌طور که در جدول ۳ ملاحظه می‌شود، تفاوت دو گروه در علائم اختلالات رفتاری کودکان معنادار است. به این ترتیب نتایج نشان می‌دهد بین افراد گروه آزمایش و کنترل در علائم اختلالات رفتاری کودکان تفاوت معنادار وجود دارد. با توجه به اینکه میانگین علائم اختلالات رفتاری کودکان در گروه کنترل در مرحله پس‌آزمون از گروه آزمایش بیشتر است. پس در گروه آزمایش علائم اختلالات رفتاری کودکان به‌طور معناداری پس از آموزش اصلاح سبک فرزندپروری کاهش یافته است.

می‌کنند و این باعث لطمه به اعتمادبه‌نفس آن‌ها می‌شود و در نتیجه آن‌ها نمی‌توانند هویت مستقلی برای خود به دست آورند و نمی‌توانند زندگی‌شان را بدون کمک دیگران اداره کنند. در حیطه سوم یعنی محدودیت‌های مختل، مادرانی که در این حیطه قرار می‌گیرند محدودیت درونی در مورد احترام متقابل در آن‌ها رشد نکرده است. چنین افرادی اغلب لوس، خودخواه، بی‌مسئولیت یا خودشیفته‌اند. آن‌ها در خانواده‌هایی بزرگ شده‌اند که خیلی سهل‌انگار و بیش‌ازحد مهربان بوده‌اند. در حیطه چهارم یعنی دیگرجهت‌مندی، مادرانی که در این حیطه قرار دارند به جای رسیدگی به نیازهای خودشان به دنبال ارضای نیازهای دیگران هستند و این کار را برای رسیدن به تأیید، تداوم رابطه یا اجتناب از انتقام انجام می‌دهند و به جای اینکه خودشان را در نظر بگیرند از محیط بیرون تأثیر می‌پذیرند. حیطه پنجم یعنی گوش‌به‌زنگی بیش از حد و بازداری، مادرانی که در این حیطه قرار دارند احساسات خود را سرکوب می‌کنند و اغلب تلاش می‌کنند تا طبق قواعد خودشان عمل کنند حتی به قیمت از دست دادن خوشحالی، ابراز عقیده، آرامش‌خاطر، روابط صمیمی و سلامتی. دوران کودکی آن‌ها پر از خشونت و سختگیری بوده و به تفریح و شادی تشویق نشده‌اند و در عوض یادگرفته‌اند که درباره حوادث منفی گوش‌به‌زنگ باشند که همه این موارد مانع سبک فرزندپروری مقتدرانه است) معرفی این طرح‌واره‌ها و مورد چالش قرار گرفتن و نحوه اصلاح آن‌ها به مادران آموزش داده شد. از این‌رو مادران هم‌زمان هم روش صحیح برخورد با کودک را آموخته‌اند و هم آموخته‌اند که مانع انجام رفتار صحیح را رفع کنند و این دو هم‌زمان باعث شده‌اند تا مادران با نحوه صحیح فرزندپروری موجب گردند که علائم اختلالات رفتاری در کودکان کاهش یابد.

هر پژوهشی با محدودیت‌هایی همراه است که می‌تواند نتایج پژوهش را تحت تأثیر قرار دهد. در این پژوهش به این محدودیت‌ها می‌توان اشاره کرد: این پژوهش در شهر اصفهان انجام شده و تعمیم آن به سایر مکان‌ها باید با احتیاط صورت گیرد. پژوهش حاضر در مقطع پیش‌دبستانی انجام شده است و در تعمیم به دیگر مقاطع تحصیلی می‌تواند جنب احتیاط لحاظ شود. طیف متغیرهای جمعیت‌شناسی مانند تحصیلات پدر و مادر، شغل پدر و مادر و هوش

مادران کودکان سالم و کودکان دارای اختلالات رفتاری و با یافته‌های تهرانی دوست (۱۳۸۷)، یارمحمدیان و همکاران (۱۳۹۰)، بلالی و همکاران (۱۳۹۰)، حاجی‌سیدرضی و همکاران (۱۳۹۱)، نعمت‌اللهی و همکاران (۱۳۹۳) در زمینه نقش آموزش والدینی بر کاهش اختلالات رفتاری کودکان همسو است.

در تبیین این یافته می‌توان گفت از آنجا که بخش عمده‌ای از مشکلات رفتاری کودکان مرتبط با سبک فرزندپروری آنان است (روشن‌زاده، ۱۳۹۱) بنابراین با اصلاح سبک فرزندپروری بر اساس اصلاح طرح‌واره‌ها، مادران موفق شده‌اند روش فرزندپروری خود را ارتقا دهند و به این وسیله به کاهش مشکلات رفتاری فرزندانشان کمک کنند. در واقع در این آموزش علاوه بر آموزش روش صحیح فرزندپروری، یکی از موانع مهم رفتار صحیح از سوی مادران، یعنی طرح‌واره‌های ناسازگار مد نظر قرار گرفته است. مادران در جلسات آموزشی آموختند که چگونه مقتدرانه عمل کنند برای مثال: رفتارهای مستقل کودک را تشویق کنند اما در عین این تشویق کماکان محدودیت‌ها و کنترل خود را به نحوی بر رفتار کودک اعمال کنند، رابطه گرمی با فرزندان خود داشته باشند. فرزندان خود را تشویق کنند که استعدادها و علایق خود را دنبال کنند و خود نیز به نیازها و توانایی‌های فرزندشان توجه کنند و به فرزندانشان کمک کنند تا مسئولیت اعمال خود را بپذیرند و در مورد پیامد رفتارشان بیندیشند. در عین حال از آنجا که طرح‌واره‌های ناسازگار که در پنج حیطه قرار دارند می‌توانند علیرغم علم و آگاهی از سبک فرزندپروری صحیح، مانع اجرای آن در عمل شوند (برای مثال در حیطه اول یعنی بریدگی و طرد، مادری که نمی‌تواند دلبستگی ایمن و رضایت‌بخش با دیگران برقرار کند در این حیطه قرار دارد و فکر می‌کند که نیازش به امنیت، ثبات، محبت، همدلی و ... برآورده نخواهد شد. این باعث می‌شود خانواده‌های چنین مادرانی بی‌ثبات، بدرفتار، سرد و بی‌عاطفه، طردکننده و منزوی باشند. در حیطه دوم یعنی خودگردانی و عملکرد مختل، مادرانی که در این حیطه قرار دارند از خود و محیط اطرافشان انتظاراتی دارند که مانع جدا شدنشان از نماد والدین و دستیابی به عملکرد مستقل می‌شود. والدین آن‌ها یا به شدت از آن‌ها مراقبت و حمایت می‌کنند یا برعکس به ندرت از آن‌ها مواظبت و مراقبت

کودکان محدود بود. عوامل مؤثر دیگر مانند وضعیت اقتصادی و طبقه اجتماعی خانواده ارزیابی نشده است. با توجه به اینکه پرسشنامه راتر توسط مادران تکمیل شد و اطلاعات توسط مادران به دست آمده است احتمال سوگیری وجود دارد. نمونه به شکل در دسترس انتخاب شد. بدیهی است که این پژوهش، مقطعی بوده و نتایج حاصل شده، تنها نمایانگر معنی دار بودن آن در بین گروه‌های تحت بررسی است. اثبات علت و معلولی نیازمند انجام دادن مطالعات طولی و کنترل‌های بیشتر است.

منابع

بلالی، ر. و آقاییوسفی، ع. (۱۳۹۰). اثربخشی برنامه آموزش والدین بر کاهش مشکلات رفتاری کودکان. *فصلنامه روان‌شناسی کاربردی*، ۴(۲۰)، ۷۳-۵۹.

تهرانی دوست، م. (۱۳۸۷). تأثیر آموزش تربیت سازنده فرزندان بر کاهش مشکلات رفتاری کودکان. *مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران*، ۴(۵۵)، ۳۷۱-۳۷۹.

حاجی سیدرضی، ح. ازخوش، م. طهماسبی، ک. بیات، م. و بیگلریان، آ. (۱۳۹۱). معناداری اثربخشی آموزش کودکان نافرمان بر روش‌های فرزندپروری مادران و مشکلات رفتاری کودکان. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۳۲، ۳۹۰-۳۷۳.

حسین‌پور، ک. (۱۳۸۱). بررسی تأثیر شیوه‌های فرزندپروری مادران بر میزان بروز نشانه‌های اضطراب، استرس و افسردگی فرزندان آن‌ها. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد.

دینک‌میر، د. (۱۹۹۷). *راهنمای فرزندپروری موفق*. ترجمه: مجید رئیس دانا (۱۳۸۶). تهران: انتشارات رشد.

روشن‌زاده، آ. (۱۳۹۱). تعیین رابطه بین علائم اختلالات رفتاری با سبک‌های فرزندپروری و استرس‌های زندگی مادران در دانش‌آموزان دختر مقطع ابتدایی شهر اصفهان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه علوم تحقیقات اصفهان.

سیف‌نراقی، م. و نادری، ع. (۱۳۸۰). *اختلالات رفتاری کودکان و روش‌های اصلاح و ترمیم آن*. تهران: دفتر تحقیقات و انتشارات بدر.

سیفی‌گندمانی، م. کلانتری میبیدی، س. و فتح، ن. (۱۳۸۳). سنخ‌شناسی فرزندپروری (ترکیب فرزندپروری پدر و مادر) و تأثیر آن بر اضطراب و افسردگی نوجوانان پسر: رویکردی نو به فرزندپروری. *مجله علمی پژوهشی اصول بهداشت روانی*، ۳، ۱۸۵-۱۹۴.

شاملو، س. (۱۳۷۸). *آسیب‌شناسی روانی*. تهران: انتشارات رشد.

شفیع‌پور، ز. شیخی، ع. میرزایی، م. و کاظم‌نژاد، آ. (۱۳۹۴). سبک‌های فرزندپروری و ارتباط با مشکلات رفتاری کودکان. *مجله پرستاری و مامایی جامع‌نگر*، ۷۶، ۵۶-۴۹.

فطین‌حور، ش. (۱۳۷۵). بررسی رابطه اختلالات رفتاری فرزندان با شیوه‌های فرزندپروری مادران در بین دانش‌آموزان پسر پایه چهارم و پنجم ابتدایی شهر اردبیل در سال تحصیلی ۷۴-۷۵. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه اصفهان.

کلانتری، م. مولوی، ح. و توسلی، م. (۱۳۸۴). رابطه شیوه‌های فرزندپروری و اختلالات رفتاری در کودکان پیش‌دبستانی شهر اصفهان. *مجله دانش و پژوهش در روان‌شناسی*، ۲۴، ۶۸-۵۹.

نعمت‌اللهی، م. و طهماسبی، س. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های سازگاری به والدین بر کاهش مشکلات رفتاری کودکان. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۳، ۱۷۴-۱۵۹.

یارمحمدیان، ا. قادری، ز. و چاوشی، ن. (۱۳۹۰). اثربخشی آموزش مهارت‌های شیوه‌های فرزندپروری بر مشکلات رفتاری کودکان پیش‌دبستانی ۴-۶ ساله. *مجله روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی*، ۲(۶)، ۳۲-۱۷.

یانگ، ج. کلوسکو، ژ. و ویشار، م. (۲۰۰۳). *طرح‌واره درمانی*. ترجمه: حسن حمیدپور، زهرا اندوز (۱۳۹۰). تهران: انتشارات ارجمند.

یوسفی، ف. (۱۳۷۷). *هنجاریابی مقیاس راتر به منظور بررسی مشکلات رفتاری عاطفی دانش‌آموزان دختر و پسر ابتدایی*. *مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، ۱ و ۲، ۱۹۴-۱۷۱.

Abela, J. R. Z., Hankin, B. L. (2003). *Hand Book of Depression in Adolescents*. New York: The Guilford press. 42(6), 471-6.

Baumrind, D. (1978). *Parental disciplinary patterns and social competence in children youth soc*, 9, 239-276.

Cartwright-Hatton, S. (2005). Parent skill training: An effective intervention for internalizing symptoms in younger children. *Journal of Child and Adolescent Psychiatric Nursing*, 7, 125-139.

Darling, N. (2010). *Parenting styles and its correlates*. Available from: <http://www.restoration.com>. [Accessed 24 April 2011].

Haffort, A., Sexton, H., Hedley, L. M., Wang, C. E., Holthe, H., Haugum, A., Nordahl, HM., Johan, O. (2005). The structure of maladaptive schema: A Confirmatory analysis and a psychometric evaluation of factor derived scales. *Cognitive Therapy and Research*, 29(6), 627-644.

- Hallahan, D. P., Kauffman, J. M. (2005). *Exceptional children: Introduction to special education (9th ed.)*. Boston: Allen and Bacon.
- Helmer, R., Moore, P. h., coyne, L. (2015). Changing problematic parent – child Interaction in child Anxiety Disorders: The promise of Acceptance and commitment Therapy (ACT). *Journal of Contextual Behavioral Science*, 50, 17-27.
- Miller-lewis, L. R., Baghurst, P. A., Sawyer, M. G., Prior, M. R., Clark, J. J., Arney, F. M., Carbone, J. A. (2006). Early childhood externalizing behavior problems: child, parenting, and family-related predictors overtime. *Journal of abnormal child psychology*, 34, 891-906.
- Preethi, C., Rose, M. C. (2012). A Study on Parenting Styles in Relation to Stress and Self Esteem. *International Journal of teacher Educational Research (IJRER)*; 1, 2319-4642.
- Sheffield, A., Waller, G., Emanuelli, F., Murray, J. and Meyer, C. (2006). *Links between Parenting and Core Beliefs: Preliminary Psychometric Validation of the Young Parenting Inventory*. *Journal of Cognitive Therapy and Research*, Vol. 29, No. 6, pp. 787-802.
- Torres, C. (2002). *Early Maladaptive Schema and Cognitive Distortion in Psychopath and Narcissism*, Unpublished Doctoral Dissertation, Australian National University, Canberra.
- Young, J. E. (2003). *Schema therapy for borderline and narcissistic personality disorders*. Pittsfield. MA: New England Educational Institute.
- Young, J. E. (1999). *Cognitive Therapy for Personality Disorders: A Schema-focused Approach (3rd Ed.)*. Sarasota, F.L. US: Professional Resource Press/Professional Resource Exchange.